

درس‌هایی از بالاخانه درس ۶: بهتر است شخص دیگری بیاید سینکلر فرگوسن

یکی از معروف‌ترین کتاب‌هایی که در نهضت اصلاحات منتشر شد، در واقع توسط یکی از اصلاح‌گرایان نوشته نشده بود. این مکالمات غیررسمی مارتین لوتر بود. لوتر و همسرش، ضرورتاً شاگردانی داشتند که دور میز غذا با هم می‌نشستند و این فرصتی فوق‌العاده برای شاگردان لوتر بود که از سؤال کنند، جواب‌های استاد رو بشنوند و بعد به قول نوهی من، «به اندازه‌ی کافی زرنگ» بودند که راهی پیدا کردند که حرف‌های مارتین رو در این موقعیت‌ها بنویسند.

و به چیزی در این فضاها هست که اینجا در یوحنا ۱۳ تا ۱۷ می‌بینیم، عیسی و شاگردانش و یکی از شاگردانش، شاگردی که خودش رو به‌عنوان شاگرد محبوب عیسی توصیف کرده؛ نه به‌خاطر اینکه عیسی او رو بیشتر از بقیه‌ی شاگردان دوست داشت، بلکه چون او فهمید که آگاهی از محبت عیسی نسبت به او چه مفهومی داره.

او حرف‌های غیررسمی عیسی رو نوشت و بخشی از این حرف‌های غیررسمی در باب ۱۴، این کلمات معروف عیسا است که وقتی او رو به‌عنوان نجات‌دهنده و منبع‌مون می‌شناسیم و به‌عنوان کسی که ما رو به حضور پدر آسمانی هدایت می‌کنه، به آرامش و ثبات و سکونی در زندگی مسیحی ایجاد می‌شه که آگاهی از اون، برای کسانی که ایماندار نیستند و امنیت پایدار واقعی رو ندارند، امکان‌پذیر نیست. عیسی با گفتگوی غیررسمی به سؤالات دو تا از شاگردانش جواب داد.

اما حالا به چیزی رو عیسی باید بیشتر به این شاگردان توضیح بده؛ در واقع اینه که عزیمت او به نفع اون‌هاست. او نسبتاً بی‌پرده، جلوتر در باب ۱۶، آیه‌ی ۷ اینو بهشون میگه. او میگه، «من به شما حقیقت را می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است.»

البته دلیلش اینه که عیسی اون‌ها رو ترک می‌کنه و بعد روح‌القدس رو به‌جای خودش می‌فرسته که خدمت او رو در زندگی‌شون ادامه بده؛ اما عیسی درحال‌تعلیم به اون‌ها با مشکلی مواجه شده، مشکلی که قابل درک. احتمالاً اون‌ها نمی‌تونند اومدن روح‌القدس رو جایگزین از دست دادن حضور خداوند عیسی بدونند.

به‌نوعی این نه‌تنها مشکل این شاگردانه، بلکه بعد از اون، برای شاگردان مسیحی هم مشکل بوده. من گاهی اوقات این مشکل رو این‌طور مطرح می‌کنم، وقتی ما در چنین مواقعی به‌عنوان خادمان انجیل صحبت می‌کنیم، خادمانی که کتاب مقدس رو شرح می‌دیم، ما معتقدیم می‌تونیم با قدرت و کمک روح‌القدس صحبت کنیم و روح‌القدس خدمت عیسی رو ادامه می‌ده؛ اما من حدس می‌زنم اگه از شما بپرسم، آیا ترجیح می‌دید اینجا باشید که انجیل یوحنا رو با سینکلر فرگوسن مطالعه

کنید یا ترجیح می‌دید عیسی در اتاق باشه و با شما صحبت کنه؟ آیا این فرگوسون به‌علاوه‌ی روح‌القدس می‌تونه به‌نوعی جایگزین حضور عیسی در اتاق بشه؟ برای اینکه تا آخر عمر بدونید چشم‌های او چه رنگی بود، موهایش چطوری کوتاه شده بود، آیا ریش داشت یا نداشت؟

از چه ایماواشاره‌هایی استفاده می‌کرد؟ موقع صحبت کردن حالات صورتش چطوری بود؟ من حدس می‌زنم اکثر ما نیازی به فکر کردن نداریم. ما هر کاری می‌کنیم که عیسی در این اتاق باهامون باشه. پس می‌تونیم خودمون رو جای این شاگردانی بذاریم که اون‌جا هستند و بفهمیم و با اون‌ها همدردی کنیم که حضور عیسی، خیلی خیلی مفیدتر از حضور روح‌القدس و کلام خداست؛ اما حالا عیسی بهشون کمک می‌کنه تا درک کنند که چرا واقعاً به نفعشون که او از بینشون بره و روح به نزدشون بیاد.

او اینجا از اصطلاحی در یوحنا باب ۱۴ استفاده می‌کنه که به نظرم خیلی برای ما مفیده. او در آیه‌ی ۱۶ می‌گه، وقتی برم «من از پدر سوال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود.»

حالا چیزی که عیسی اینجا می‌گه، کلماتی که یوحنا برای صحبت درباره‌ی روح در اینجا بکار می‌بره، کلمات «آلاس پاراکلیتاس» هستند. پاراکلیتاس، کلمه‌ی پاراکلیت هست که بر اساس این متن، در بعضی از سرودهامون برای توصیف روح‌القدس بکار رفته. وقتی عیسی می‌گه او «آلاس پاراکلیتاس» هست، ظاهراً پیشنهاد می‌ده که روح‌القدس یه پاراکلیت دیگه از نوع و کیفیت یکسان با خداوند عیساست. می‌دونید در انگلیسی، مثل زبان‌های دیگه، یه تناقضی در نحوه‌ی به‌کارگیری کلمه‌ی «یکدیگر» وجود داره. وقتی می‌گیم، «من «یکی دیگه» می‌خوام»، آیا به این معناست که یه چیز متفاوتی می‌خوام؟ یا به این معناست که یکی دیگه از همون نوع می‌خوام؟»

زبان یونانی دو اصطلاح متفاوت داره، که به‌طورکلی، نه همیشه، بلکه به‌طورکلی برای تعیین یکی دیگه از همون نوع و یکی دیگه از نوع متفاوت بکار می‌ره. مشخصاً عیسی اینجا می‌گه «من مددکاری از نوع خودم می‌فرستم و او در شما ساکن می‌شه و تا ابد با شما می‌مونه. به همین دلیل عزیمت من و اومدن او شدیداً به نفع شماست.»

می‌خوام در این درس توجه کنیم که چطور عیسی اینو در تعلیم به شاگردانش بکار می‌بره. او به سه طریق این کار رو می‌کنه. اول از همه، عیسی خودش معلم‌شون بود و می‌گه وقتی روح‌القدس بیاد، روح‌القدس به‌عنوان معلم‌شون میاد. به‌عنوان مثال، به حرف او در آیه‌ی ۲۳ و ۲۴ نگاه کنید.

عیسی بهشون تعلیم می‌ده. او به سؤالات جواب می‌ده. در این نمونه به سؤال یهودای اسخریوطی جواب می‌ده. در آیه‌ی ۲۴ درباره‌ی این صحبت می‌کنه که مردم مطابق کلامش عمل کنند و مشخصه که حقیقتاً معلم اون هاست. این اصطلاح، غالباً برای او به‌عنوان معلم بکار رفته؛ اما می‌گه وقتی روح‌القدس بیاد، او بهشون تعلیم می‌ده.

به آیه‌ی ۲۵ نگاه کنید، «این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم. لیکن تسلی‌دهنده یعنی روح‌القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد.» حالا روح‌القدس چطوری معلم ما می‌شه؟ خُب، عیسی می‌گه او معلم ما می‌شه، چون مسائل عمیق خدا رو برامون آشکار می‌کنه. او می‌گه وقتی روزی برسه که روح‌القدس نزد شما فرستاده بشه، می‌گه «در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.»

باب ۱۴، آیه‌ی ۲۰، «در آن روز»، او درباره‌ی روزی صحبت می‌کنه که روح‌القدس میاد. «در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.» حالا اینجا چی می‌گه؟ می‌گه وقتی روح‌القدس بیاد، شما رابطه‌ی من با پدرم رو بهتر درک خواهید کرد. یه بینشی درباره‌ی رابطه‌ای خواهید داشت که هرگز در طول خدمتم نداشتید. یه چیزی رو در مورد مشارکت با پدر خواهید دید. شما هم مثل یوحنا چیزی رو درک می‌کنید که او در آیه‌ی اول این انجیل گفت.

کلمه نزد خدا بود و کلمه، خدا بود و چقدر خدا، پسرش رو دوست داشت و چقدر پسر، پدرش رو دوست داشت و یوحنا همه‌ی چیزهای مختلفی رو به یاد میاره که عیسی بهشون تعلیم داده بود، اما اون‌ها درک نکردند، ولی حالا درک می‌کنند، چون روح‌القدس اومده و ادراکشون رو درباره‌ی هویت خدا روشن کرده.

تقریباً مثل اینه که عیسی می‌گه، یادتونه پولس چطوری اینو گفت. او گفت روح، عمق‌های خدا رو تفحص می‌کنه و این عمق‌ها رو برای قوم خدا آشکار می‌کنه. پس به نفع اون هاست که عیسی بره و روح به‌عنوان معلمشون بیاد.

و بعد این یه جنبه‌ی دیگه هم داره. عیسی می‌گه در آن روز «خواهید دانست که من در شما ساکنم و شما در من ساکنید.» می‌بینید او چی می‌گه. می‌گه «من در طول خدمتم، خارج از شما بودم. شما منو دیدید. لمس کردید. صدام رو شنیدید. منو تماشا کردید؛ اما من و شما از همدیگه فاصله داشتیم.

اما وقتی روح‌القدس میاد، روح‌القدس در واقع میاد که در شما ساکن بشه. او در قلب و زندگی‌تون ساکن می‌شه و بهتون قدرت می‌ده و شما رو از درون تبدیل می‌کنه.» و به‌نوعی عیسی می‌گه، «تا زمانی که با شما هستم، نمی‌تونم در شما ساکن بشم؛ اما وقتی برم و مشاور دیگه رو بفرستم، او در شما ساکن می‌شه و تا ابد با شما خواهد بود.»

این چیز شگفت‌انگیزه، این طور نیست؟ اینکه عیسی بهشون تعلیم می‌ده و اون‌ها می‌ترسند که وقتی عیسی بره، او رو به‌خوبی نشناسند، اما در واقع می‌گه، «فقط وقتی برم، می‌تونید واقعاً منو به‌خوبی بشناسید، چون از طریق روح نه‌تنها با شما هستم، بلکه در واقع میام که با شما زندگی کنم و در شما ساکن بشم.»

حالا این یکی از بزرگترین رازهای انجیله، این طور نیست؟ اما این با تکیه بر اصل مسیحی بودن. یادتونه پولس در رومیان ۸: ۸-۹ چی گفت، «هرگاه کسی روح مسیح رو نداشته باشه، از آن مسیح نیست؛ اما اگه روح مسیح رو دارید، انگار خود مسیح در شما ساکنه.» یادتونه پولس به کولسیان چی می‌گه، مسیح به‌عنوان امید جلال در شما ساکنه؛ و عیسی می‌گه، «شما روح رو می‌شناسید، چون او با شما بود.» کجا باهاشون بود؟

خُب، در عیسی باهاشون بود، اما حالا در شما خواهد بود و «وقتی من برم و روح رو نزد شما بفرستم، متوجه خواهید شد که این به طرز فوق‌العاده‌ای به نفع شماست.» پس عیسی معلمشون بود و روح میاد که در درونشون ساکن بشه تا چیزهای بیشتری رو درباره‌ی خداوند بهشون تعلیم بده.

دوم، عیسی مشاورشون بود؛ و وقتی روح بیاد، او هم مشاورشون خواهد بود. حالا دوباره اندرز عیسی رو می‌بینید، مخصوصاً در نحوه‌ی پاسخ دادن به سؤالات گوناگونی که ازش می‌پرسند. در باب ۱۴ آیه‌ی ۵، سؤال توما، در باب ۱۴ آیه‌ی ۸، سؤال فیلیپس و بعد البته بعداً وقتی به سؤال یهودا جواب می‌ده، (این یهودای اسخریوطی نیست) در باب ۱۴ آیه‌ی ۲۲.

عیسی صبورانه بهشون مشورت داد که از عدم‌درک به درک برسند؛ و او مشاورشون بود. اما می‌گه وقتی روح بیاد، او هم مشاورتون می‌شه؛ اما به‌طور خاصی و کیلتون می‌شه. کلمه‌ای که اینجا برای وکیل مدافع بکار رفته، پاراکلیت، وکیل، کلمه‌ای هست که از دنیای حقوقی میاد؛ مشاور از لحاظ مشاور حقوقی، کسی که در کنارتون می‌ایسته تا از جانب شما صحبت کنه. عیسی می‌گه وقتی روح بیاد، او این کار رو می‌کنه، میاد که وکیل مدافعتون باشه.

حالا این در تعلیم عیسی چطوری بکار می‌ره؟ یکی از طریق‌هایی که در تعلیم عیسی بکار می‌ره، اینه که وقتی روح میاد، به‌عنوان وکیل دادخواهی‌کننده میاد، او میاد تا همون طور که عیسی بعداً می‌گه، ما رو به گناه و عدالت و داوری ملزم کنه، انگشتش رو به طرف ما بگیره، ما رو آگاه کنه که چرا به نجات‌دهنده نیاز داریم؛ چون ما گناهکاریم. ما اینو تجربه کردیم، این طور نیست؟

ما زندگی خودمون رو داشتیم، کارهای شایسته‌ای انجام می‌دادیم، بعضی از ما سعی می‌کردیم راه خودمون رو به آسمون پیدا کنیم و بعد روح بر زندگی‌مون نازل شد و به شکست روحانی و ناتوانی روحانی‌مون پی بردیم. همون طور که بعضی وقت‌ها می‌گیم، نسبت به گناهکار بودن و نیازمون به نجات‌دهنده «عمیقاً ملزم شدیم» و این کار روح بود که ما رو تحت پیگرد قرار

داد تا کاری کنه که در برابر تخت داوری خدا به تقصیرمون اعتراف کنیم و ما رو به ملاقات عیسی برد، به عنوان کسی که برای گناهان ما مُرد. بعد از انجام این کار، روح وارد زندگی مون می شه و به دفاع از عیسی در زندگی مون ادامه می ده.

این خدمت شگفت‌انگیزه، این طور نیست؟ ما می‌خوایم عیسی رو جلال بدیم. می‌خوایم عیسی رو محبت کنیم. هرگز نمی‌خوایم عیسی رو تحقیر کنیم. چرا این گرایش تغییر کرده؟ چون روح اومده و عیسی رو در مقابل ما بلند کرده. او گفت، «بین چقدر عیسی شگفت‌انگیزه. به او اعتماد کن. برای او زندگی کن. او رو تحقیر نکن. از او پیروی کن. در تمام عمرت به او خدمت کن.» و ما گفتیم، «بله، من می‌خوام این کار رو بکنم. برای این کار به من قدرت بده.» و روح القدس اومد و وکیل عیسی در زندگی مون شد.

در واقع، یه فرقی بین این پیشینه‌ی حقوقی در کلام عیسی و طرز فکر ما درباره‌ی قانون امروز وجود داره. اگه امروز مشاور حقوقی می‌خواید، به مرکز شهر و پیش کسی می‌رید که یه لوح برنجی داره و معمولاً دو یا سه تا اسم داره و بعد شاید باید یه وام زیاد یا سنگین بگیرید تا بتونید بهای خدماتی رو که انتظار دارید، فراهم کنید. همه‌ی این‌ها خیلی حرفه‌ای هست و معیارها با دقت تنظیم شده و قیمت‌ها هم معمولاً با دقت تنظیم شده و برای این‌ها بهتون قبض میدن. این دنیای حقوقی زمان عیسی نبود.

دنیای حقوقی زمان عیسی، یه فعالیت بسیار اشتراکی بود. اگه به یه پاراکلیت، یه وکیل نیاز داشتید، به اداره‌ی حقوقی محلی نمی‌رفتید. به سراغ بهترین دوستتون می‌رفتید، کسی که شما رو از نزدیک می‌شناخت، کسی که خیلی بهش اعتماد داشتید، اکثر بخش‌های زندگی تون رو باهاش در میون می‌داشتید و بهش می‌گفتید، «میای وکیل من بشی؟ من دچار مشکل شدم و به کسی نیاز دارم که برای من بایسته و در حمایت از من صحبت کنه.»

شما از کسی که شناخت خوبی از شما داشت، دعوت می‌کردید که در دادگاه بایسته و بگه، «غیرممکنه که او مُجرم به انجام این کار باشه. من او رو به خوبی می‌شناسم. هیچ کس به اندازه‌ی من او رو نمی‌شناسه. من او رو از بچگی می‌شناسم. او هرگز این کار رو نکرده و نخواهد کرد.» و اون‌ها مشاورتون هستند، چون نزدیک‌ترین دوستتون هستند.

اون‌ها شناخت نزدیکی از شما دارند. آیا این در مورد روح القدس در رابطه با عیسی و ما صدق نمی‌کنه؟ به هر حال، او در رجم مریم باکره حضور داشت. در تعمید و وسوسه‌ی عیسی حضور داشت. عیسی با قدرت او معجزه کرد. عیسی از طریق او خودش رو به پدر تقدیم کرد.

با قدرت او، خداوند عیسی از مردگان برخاست، از رجم به قبر رفت. علاوه بر اینکه از ازل و در هر مقطعی در این بین، می‌تونیم بگیم روح القدس وکیل عیساست، چون شناخت بهتری از عیسی داشت و در محرمانه‌ترین لحظات زندگی باهاش بود.

به همین دلیل خدمت روح القدس خیلی برای ما ارزشمند، چون او عیسی رو به بهترین شکل می‌شناسه و ما رو به بهترین شکل می‌شناسه. او می‌دونه هرکدوم از ما بیش از همه به چه چیزی در عیسی نیاز داریم. مثل یه نورافکن بر این جنبه از شخصیت و خدمت و شخص خداوند عیسی می‌درخشه یا در اون جنبه از شخصیت و خدمت و شخص عیسی می‌درخشه تا به ما نشون بده که عیسی دقیقاً همون کسیه که در هر لحظه از زندگی مون بهش نیاز داریم. این مزیت خیلی بزرگیه. عیسی میگه، «من از بین شما می‌رم، اما پاراکلیت رو نزد شما می‌فرستم.»

اما یه وجه سومی در این هست که من شخصاً دوست دارم خیلی در موردش فکر کنم. روح به‌عنوان معلمشون میاد. روح به‌عنوان مشاورشون میاد؛ اما عیسی این رو هم میگه که روح میاد در زندگی‌شون خونه بسازه. عیسی به آسمان می‌ره که برای ما خونه بسازه. او به دنبال ما میاد و ما رو به اون خونه می‌بره؛ و روح هم خونه می‌سازه، اما در جهت مخالف این کار رو می‌کنه.

عیسی میگه، «وقتی روح بیاد،» (آیه ۱۸) «شما را یتیم نمی‌گذارم.» شما بی‌خانمان نخواهید بود؛ و دلیل بی‌خانمان نبودن شما رو با این اصطلاحات تأثیرگذار توصیف می‌کنه، به‌عنوان مثال، در آیه ۲۳ میگه «پدرم او را محبت خواهد نمود» او درباره‌ی این صحبت می‌کنه که وقتی روح بیاد چه اتفاقی میفته، ما «به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت.»

برای من، این یکی از شگفت‌انگیزترین تفکرات درباره‌ی خدمت روح القدس رو خداوند عیسی به زندگیم می‌فرسته تا زندگیم رو یه مکانی بسازه که پدر و پسر در اون ساکن بشن. حالا این تصویر خیلی انسانی، این‌طور نیست؟ ما به بعضی از خونه‌ها دعوت می‌شیم و احساس غریبی می‌کنیم. احساس عجیبی داریم. احساس می‌کنیم واقعاً استقبال نشدیم یا احساس می‌کنیم این جای نسبتاً سردیه. ای کاش به خونه‌ی خودمون برگردیم.

و بعد وارد خونه‌های دیگه می‌شیم و احساس می‌کنیم از ما استقبال می‌شه. می‌تونیم آروم بگیریم. احساس می‌کنیم این افراد رو دوست داریم، می‌تونیم تا ابد باهاشون وقت بذاریم، اون‌ها کاری می‌کنند که احساس کنیم عضو خانواده‌شون هستیم. عیسی میگه، «این خدمت روح القدس در زندگی ایمانداره که زندگی تون رو به جایی تبدیل کنه که پدر به پسر بگه، «من احساس می‌کنم اینجا خونه‌ی منه، تو چطور؟»

و پسر به پدر میگه، «پدر، تو در زندگی این شخص احساس نمی‌کنی که در خونه‌ی خودت هستی؟ و البته این سؤال خیلی ساده و در واقع نافذ رو برای ما ایجاد می‌کنه که به‌وسیله‌ی روح القدس، زندگی من به مکانی تبدیل شده که روح القدس منو یه خونه‌ی راحت برای پدر و پسر ساخته. این زندگی مسیحی رو به‌خوبی توضیح می‌ده، چون چیزهای زیادی باید در زندگیم تغییر کنه تا پدر و پسر بتونند به‌راحتی در من ساکن بشن؛ و خدمت روح القدس اینه که این تغییرات رو در زندگی مون ایجاد کنه. این قطعاً یکی از شگفتی‌های خدمت اوست.